

رخداد

حکم اعدام سعید ملک‌پور تأیید شد

■ **مهز:** پس از گذشت هزار روز از آغاز بررسی پرونده سعید ملک‌پور و یک‌بار لغو حکم اعدام وی، در نهایت دیوان‌عالی با تأیید رد نواقض پرونده حکم اعدام او را صادر کرد. در روزهای پایانی سال ۸۷ سپاه پاسداران و دستگاه قضا خیر اندام سایت‌های غیراخلاقی فارسی‌زبان و دستگیری عوامل اصلی این سایت‌ها را منتشر کردند. یکی از این متهمان، شخصی بنام «سعید ملک‌پور» با نام مستعار «سیاوش حسین‌خانی» متهم به گرداننده یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین سایت‌های غیراخلاقی فارسی بنام «اویزون» و حامی چندین سایت مستهجن معروف دیگر بود که در خارج از کشور زندگی می‌کرد و در مهرماه ۱۳۸۷ بازداشت شد. سعید ملک‌پور پس از طی مراحل قانونی در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام اهانت به مقدسات و اصول و ارزش‌های دینی، توهین و فحاشی به معصومین (ع) و اعتقادات اسلامی، گردآوری و انتشار محتوای ضداخلاقی و ضددینی خراجی، گردآوری، تولید و انتشار محتوای ضداخلاقی و ضددینی ایرانی (به زبان فارسی)، آموزش مسایل غیراخلاقی و غیررسمی، تولید و انتشار محتوای روابط نامتعارف جنسی مانند روابط جنسی با محارم، ضرربری، همجنس گرایی، فتیشیسم…و تحریک جوانان در مسایل جنسی و عضوگیری از آنان برای ایجاد گروه‌های اینترنتی، تهیه و انتشار تصاویر تجاوز به عنف و زورگیری از دختران و بانوان ایرانی و انتشار تصاویر برهنه دختران و بانسوان ایرانی از طریق دوربین مخفی و هک وب‌کم از سوی قاضی مقبسه محاکمه و به اعدام محکوم شد. نیمه خردادماه حکم اعدام این متهم از سوی دادگاه انقلاب برای تأیید به دیوان‌عالی ارایه شد ولی دیوان حکم اعدام را لغو کرد که علت آن نقض تحقیقات و لزوم مواجهه وی با بعضی از مرتبطان با سایت‌های مستهجن بود و پرونده دوباره به دادگاه انقلاب عودت شد. در همین رابطه محمود علیزادهطباطبایی وکیل ملک‌پور هم اعلام کرد: برخورد دیوان عالی کشور در این زمینه بسیار خوب و منطقی بوده است و حتی ما امیدواریم با دفاعیات مستدل ما در دادگاه، حکم ثابت برای سعید ملک‌پور صادر شود. قاضی مقبسه پس از بررسی مجدد پرونده و رفع نقایض، حکم اعدام را دوباره برای تأیید به دیوان عالی ارسال کرد تا اینکه پس از مدت هزار روز دوبروز محمدمعلی عارفی مدیر روابط عمومی دیوان عالی کشور اعلام کرد: حکم اعدام سعید ملک‌پور رفع نقایض شده و حکم اعدام به تأیید و ابرام دادنامه صادر شده از سوی دادگاه انقلاب رسیده است.

دستگیری سار قان مسلح بانک

■ **شرق:** سه مرد که به چهار بانک در بوشهر به صورت مسلحانه دستبرد زده بودند، دستگیر شدند. سرهنگ بارونی -رییس پلیس آگاهی استان بوشهر- در این باره گفت: در پی وقوع سرقت مسلحانه از یکی از بانک‌های شهرستان دشتستان، کارآگاهان به محل اعزام و متوجه شدند متهمان سه نابالار بودند که با ورود به بانک و تهدید کارمندان و مشتریان اقدام به سرقت وجوه نقد کردند و متواری شدند. رییس‌پلیس آگاهی استان بوشهر ادامه داد: کارآگاهان تحقیقاتی خود را در این زمینه آغاز کردند و با استفاده از تصاویر ضبط‌شده توسط دوربین مداربسته بانک مشخصات ظاهری سه سارق و موتورسیکلت فرزندزنگی را که با آن قرار کرده بودند، شناسایی کردند. وی با بیان اینکه ماموران متوجه شدند مشخصات یکی از سارقان با مشخصات ظاهری یکی از مجرمان سابقه‌دار منطقه مطابقت دارد، اظهار کرد: ماموران پلیس در یک عملیات غافلگیرانه متهم با هویت «امید-ن» را در منزلش دستگیر و با بازرسی از محل بخشی از اموال مسروقه به ارزش ۲۴۰ میلیون ریال را در یک کیف ماسکسونت قهوه‌ای‌رنگ کشف و ضبط کردند. بارونی با بیان اینکه متهم دستگیرشده در بازجویی‌ها به سرقت مسلحانه از دو شعبه بانک (مخابرات) در روستاهای شابلکار و یکی از روستاهای توابع گناوه و نیز دو شعبه «بست‌بانک» در یکی از روستاهای توابع شابلکار و دشتستان با همدستی دو نفر دیگر اعتراف کرده است، گفت: در همین راستا تحقیقات ماموران برای شناسایی و دستگیری دو متهم دیگر آغاز شد و آنها نیز دستگیر شدند.

انگیزه قتل مرد ارتشی

■ **فارس:** رییس‌پلیس آگاهی لرستان گفت: متهم حادثه تیراندازی یکم بهمن در منطقه کسوی ارتش خرم‌آباد دستگیر شد. خادکرم کیکی اظهار داشت: نیروهای پلیس آگاهی لرستان از زمان وقوع حادثه به صورت شبانه‌روزی برای دستگیری این متهم اقدام کردند که در نهایت ظهر روز پنجشنبه این فرد دستگیر شد. وی با اشاره به اینکه ۱۰ ساعت پس از دستگیری متهم انگیزه این قتل فاش شد، گفت: اختلاف شخصی به عنوان انگیزه اصلی ضارب از قتل مرد ارتشی اعلام شده است. علیزاده -فرمانده انتظامی لرستان- نیز گفت: تیراندازی از سوی قاتل که موتورسوار و صورت خود را کاملاً پوشانده بود، در ساعت ۹:۳۰ دقیقه صبح شنبه هنگامی که مقتول به همراه شش نفر دیگر منتظر سرویس ایاب و ذهاب محل خدمت خود بودند، انجام شد که در این حادثه قاتل اقدام به شلیک ۱۸ گلوله به سمت مقتول و نفر کناری او کرد که منسلفانه فرد مورد نظر قاتل در دم فوت و نفر کناری او مجروح شد. علیزاده با اشاره به اینکه انگیزه اصلی این قتل انتقام و اختلاف شخصی بود، افزود: پس از جمع‌آوری اطلاعات و بررسی صحنه، مشاهده شد اختلاف میان قاتل و مقتول مشهود است. وی تصریح کرد: پس از تحقیق و جست‌وجو، فرد ناشناس متولد ۱۳۵۷ شناسایی شد. وی فردی نظامی بود که از نظام اخراج شده بود. بنا بر این گزارش شنبه هفته گذشته گروه چهار تاهفت‌نفری از نیروهای ارتش خرم‌آباد منتظر سرویس بودند که فردی با سر و صورت پوشیده و سوار بر موتورسیکلت به طرف این گروه شلیک کرد که در نهایت یکی از آنها کشته و یکی دیگر مجروح شد.

رازگشایی از قتل زن و شوهر بعد از ۱۲سال



جشن را از دست داد.» با توجه به اظهارات حمید درخصوص قاتل بودن برادرش، کارآگاهان، «عممت» را که به مصرف مواد مخدر اعتیاد شدیدی داشت، دستگیر کردند. متهم در همان تحقیقات اولیه با اعتراف صریح به ارتکاب جنایت در ۱۲ سال پیش به کارآگاهان گفت: «خواهرم به نام صدیقه در ۸ سالگی سرانجام یک روز که حسن به همراه خواهرم به خانه ما آمده که با او پیدا کرد از یکدیگر جدا شدند و مجدداً بعد از گذشت از: کندن چالهای حدوداً دو متری در پیک گازاژ دفن کردند. بعد از آن کسی از این راز باخبر نشد. پدرم پنج‌سال پیش



حسن نیز دچار اختلاف شد و من به دلیل اینکه حسن دایماً خواهرم را کتک می‌زد و به خانواده‌ام ناسزا می‌گفت تصمیم به انتقام گرفتم، زمانی که متوجه شدم پدرم نیز قصد گرفتن انتقام و کشتن حسن را دارد به همراه وی و در حالی که من با تبری که پدرم از قبل آن را برای همین کار تهیه کرده بود خبری‌ام را به پشت سر حسن زده و پدرم در حالی که خواهر و مادرم نیز شاهد صحنه کشته‌شدن حسن بودند و ضرباتی را با چوب به حسن می‌زدند، با چکش به صورت او ضربه زد. پس از کشته شدن حسن، جنازه‌اش را در ضلع شمالی گازراژ

دیروز بعد از برگزاری سومین جلسه، محاکمه صادر شد

اعدام برای متهم تجاوز به ۳۰ زن

بر شلاق و زندان داندن و او را درخصوص تجاوز به عنف مجرم نشانختند. در این مرحله یکی از قضات متهم را در راه مرد رانده گفت سهرام به یکی از شاکیان مجرم دانست و یکی دیگر از قضات در مورد دو نفر از شاکیان متهم را گناهکار دانست اما سه قاضی دیگر اعلام کردند متهم را در تجاوز به عنف مجرم نمی‌دانند و به نظر آنها این شاکیان خودشان به برقراری رابطه راضی بودند. بنا صدور این رای و انعکاس آن در مطبوعات و مصاحبه‌های بی‌درپی شاکیان رای صادره با دستور رییس قوه‌قضاییه و اعتراض دادستان تهران در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و نقض شد و پرونده دوباره به شعبه ۷۹ برگشت. در ابتدای جلسه محاکمه که دیروز برگزار شد چهار شاکی که برای توضیح شکایت خود در دادگاه آمده بودند یک به یک در جایگاه حاضر شدند. اولین کسی که حادثه را توضیح داد زن جوانی بنام الهام بود. او گفت: ماشین متهم را به صورت درستی از خیابان پیروزی کرایه کردم متهم در راه به من خرما می‌ندری داد وقتی خرما را خوردم گیج شدم او من را به بیابانی برد و مورد آزار جنسی قرار داد و هرچه داشتم سرقت کرد. او گفت: متهم من را با لنگی بست و رهایم کرد. بعد از چند ساعت توانستم خودم را رها کنم و به خانه برگردم. بعد از این، زن شاکي دوم در جایگاه



حاضر شد او گفت: من هم به‌عنوان مسافر سوار ماشین شدم می‌خواستم به جنوب شهر تهران بروم، در راه مرد رانده گفت سهرام به یکی از شاکیان مجرم دانست و یکی دیگر از قضات در مورد دو نفر از شاکیان مجرم دانست اما سه قاضی دیگر اعلام کردند متهم را در تجاوز به عنف مجرم نمی‌دانند و به نظر آنها این شاکیان خودشان به برقراری رابطه راضی بودند. بنا صدور این رای و انعکاس آن در مطبوعات و مصاحبه‌های بی‌درپی شاکیان رای صادره با دستور رییس قوه‌قضاییه و اعتراض دادستان تهران در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت و نقض شد و پرونده دوباره به شعبه ۷۹ برگشت. در ابتدای جلسه محاکمه که دیروز برگزار شد چهار شاکی که برای توضیح شکایت خود در دادگاه آمده بودند یک به یک در جایگاه حاضر شدند. اولین کسی که حادثه را توضیح داد زن جوانی بنام الهام بود. او گفت: ماشین متهم را به صورت درستی از خیابان پیروزی کرایه کردم متهم در راه به من خرما می‌ندری داد وقتی خرما را خوردم گیج شدم او من را به بیابانی برد و مورد آزار جنسی قرار داد و هرچه داشتم سرقت کرد. او گفت: متهم من را با لنگی بست و رهایم کرد. بعد از چند ساعت توانستم خودم را رها کنم و به خانه برگردم. بعد از این، زن شاکي دوم در جایگاه

ادعای تازه عروس ۱۷ساله درباره قتل شوهر دوم

این زن به اتهام قتل به قصاص محکوم شده اما ادعای بی‌گناهی می‌کند

آرامبخش در شیر حل کردم و به بهنام دادم و سپس سه آمپول هوا به یک دستستش و دو آمپول هوا به دست دیکرش زدم آخر سر سیم شارژ لپ‌تاپ را برداشتم و دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم. لاله بعد از این اعترافات بازداشت شد اما قبل از اینکه توبت محاکمه‌وی فرابرسد در نامه‌ای خطاب به قضات نوشت دو مرد و یک زن که او آنها را نمی‌شناسد بهنام را به قتل رساندند. زن جوان ادعا کرد قاتلان او را وادار کردند به شوهرش آمپول هوا تزریق کند اما خود آنها بهنام را خفه کردند. مرد قبول هیات قضات شعبه پنج دادگاه کیفری استان فارس قرار گرفت و وی به قصاص محکوم شد و این حکم به تأیید دیوان‌عالی کشور نیز رسید. پس از آن وکیل لاله با طرح ادعای بی‌گناهی موکش خواستار اعاده دادرسی شد و به این ترتیب

حوادث

رازگشایی از قتل زن و شوهر بعد از ۱۲سال

دو مقتول در پی توطئه خانوادگی به قتل رسیده و اجسادشان در یک گازاژ دفن شده بود

محل نگهداری خودروهای فرسوده که پدرم در آنجا به‌عنوان نگهبان کار می‌کرد، دفن کردیم. کارآگاهان اداره دهم در ادامه رسیدگی به این پرونده به تحقیق درخصوص کشته‌شدن «صدیقه» پرداختند. متهم منکر هرگونه دخالت در قتل او شد و در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: «من دخالتی در کشته شدن خواهرم نداشتم و صدیقه توسط پدر و مادرم به قتل رسید و من فقط در پنهان کردن جنازه‌اش به پدر و مادرم کمک کردم.» متهم درخصوص علت و انگیزه قتل صدیقه توضیح داد: «پس از کشته شدن حسن و گذشت حدود چهار ماه از قتل وی، خواهرم دایماً ما را تهدید می‌کرد که جربان قتل را به پلیس اطلاع خواهد داد به همین علت یک روز پدرم که دیگر از تهدیدهای او خسته شده بود با یک روسری که به دور گردن صدیقه انداخته بود، وی را به قتل رساند و جنازه را در فاصله چند متری از محل خاک شدن حسن دفن کرد.» کارآگاهان با توجه به اعترافات متهم با مراجعه به محل دفن اجساد در خیابان فداییان اسلام موفق به کشف بقایای به جای مانده از جنازه‌ها شدند. سرهنگ کارآگاه آر آرا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با تأیید این علوب گفت: «با توجه به اعترافات متهم در خصوص نقض و مشارکت اعضای خانواده در ارتکاب این دو جنایت، به دستور مقام قضایی مادر ۵۵ساله متهم به نام «سکینه» نیز دستگیر و برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شد.»

آزار قرار داد و بعد داخل گودالی انداخت لخطه‌های سختی را می‌گذراندم تلاش می‌کردم بیرون بیایم اما نمی‌توانستم خیلی فریاد زدم اما کسی آن اطراف نبود بعد از چند ساعت یک نفر صدای من را شنید و به کمک آمد اما گودال خیلی عمیق بود و نتوانست من را بیرون بیاورد به ماموران آتش‌نشانی خبر داد و وقتی ماموران آمدند مرا بیرون کشیدند. متهم هر چه داشتم سرقت کردم و مرا مورد تجاوز قرار داد و حلاله هم زدگی‌ام را هم پاشیده است و من خواستار مجازات او هستم. در ادامه دیگر شاکي پرونده هم جزئیات ماجرا را تعریف کرد. سپس به دستور قاضی محمدی کوشکولی، صادق از خودش دفاع کرد. او اتهام تجاوز را انیدرفت و گفت این شاکیان دروغ می‌گویند. او گفت: من قبول دارم از این زنان سرقت کردم و اگر رابطه‌ای ماشین من شدند اما به زور به آنها تجاوز نکردم و هر رابطه‌ای بین ما بود با خواست خود این زن‌ها بود من به زور آنها را مورد تجاوز قرار ندادم و چون از آنها سرقت کردم از من شکایت کردند. او گفت: چندین بار محاکمه شدم‌ام و کار حکم اعدامی صادر شده از سوی دیوان عالی کشور نقض شده است. بار آخر هم اکثریت قضات تأیید کردند که من به زور به این زنان تجاوز نکردم‌اگر حرف آنها واقعی بود همه با هم می‌آمدند نه اینکه فقط چهار نفر از آنها به دادگاه بیایند. این زنان به دلیل اینکه تاوان سنگینی بابت رابطه داده‌اند می‌خواهند از من انتقام بگیرند و من این را قبول نمی‌کنم. سپس وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد و دلایل خود را برای اثبات بی‌گناهی متهم مطرح کرد. هیات قضات شعبه ۷۹ دادگاه کیفری‌استان تهران بعد از اخذ آخرین دفاع از متهم وارد شور و شدند و به اتفاق آرا متهم را در تجاوز به عنف مجرم شناختند و به اعدام محکوم کردند.

بود. او فکر می‌کرد من با مردان دیگری رابطه دارم و در دو هفته‌ای که همسرش بودم چندین بار مرا کتک زد. او فحاشی هم می‌کرد. وقتی بدرومادر قبول کردند از شوهر لالم جدا شوم فکر می‌کردم همه چیز تمام می‌شود و دوباره به زندگی عادی برمی‌گردم اما بعد از جدایی آنها دست بردار نبودند و برای من دنبال شوهر می‌گشتند. تا اینکه این‌بار بهنام به خواستگاری‌ام آمد. به این ازدواج هم راضی نبودم. می‌خواستم زندگی خودم را بکنم و با دوستانم باشم و درس بخوانم اما مادرم می‌گفت حالا تو یک زن مطلقه هستی و هر فرصتی که گبرت می‌آید باید غنیمت بدانی. برای چنین زنی فرصت ازدواج کمتر گیر می‌آید. انقدر به من فشار آوردند که مجبور شدم قبول کنم. با اینکه هیچ علاقه‌ای به بهنام نداشتم اما جوری وانمود می‌کردم انگار دوستش دارم. می‌خواستم از دست حرف‌های پدر و مادرم راحت شوم. تنها کسی که دوست من بود و برایش این باره کار متوسل به توهم می‌شدند و با این گزارش رسیدگی به این پرونده همچنان ادامه دارد و امیدوار است با درخواست او برای محاکمه مجدد موافقت شود.



آتش‌سوزی مرکز بازپروری

مرک ۲۷ معتاد در آتش‌سوزی مرکز بازپروری

آسوشیتپرس: وقوع آتش‌سوزی در یک مرکز غیرمجاز بازپروری معتادان در پرو مرک ۲۷ نفر را رقم زد. این آتش‌سوزی روز شنبه در ساختمان دو طبقه این مرکز که محل نگهداری معتادان به الکل و موادمخدر بود، رخ داد. پلیس در تعقیب صاحب این مرکز و کارکنان آن است که پس از وقوع آتش‌سوزی محل حادثه را ترک کرده‌اند.

شماره ۱۴۵۲ ■ شمسال نهف

نگاه

تحلیلی بر پرونده عروس ۱۷ ساله



فرشید رفوگران

وکیل پایه یک دادگستری

■ **پرونده قضایی** لاله ۱۷ ساله که متهم به قتل عمد همسرش است از دو منظر حقوقی و فرهنگی، اجتماعی قابل تامل و بررسی است که نتیجه حاصل از هر کدام از این دو مقوله قطعاً در مقوله دیگر موثر است.از نقطه‌نظر حقوقی ملاحظه می‌شود قتل عمد در جامعه‌ای مدرن و فرهنگی مانند شهر شیراز به وقوع پیوسته، سپس موضوع کشف و پیگیری شده و پس از تشکیل پرونده و تعقیب و دستگیری فرد مظنون و انجام بازجویی‌های طولانی مدت از وی و تشکیل جلسات متعدد رسیدگی و ختم دادرسی که نهایتاً منجر به صدور حکم قصاص شده، حکم موصوف نیز پس از قطعیت در مرجع قضایی در شرف اجرا قرار گرفته است.

اما ناگهان با اظهارات جدید متهم، ظاهر قانونی امر با چالش جدی روبه‌رو نشده و هالهای او بهت و ابهام و نگرانی در برورنده و بر ذهن و تصور هر شخصی که از موضوع پرونده مطلع باشد، حاکم شده است. مسلماً این امر تأثیر نامطلوبی در ذهن و روان جمعی جامعه به جای می‌گذارداین در حالی است که پرونده مذکور منحصر به فرد نیست و در سال‌های گذشته موارد مشابه به کرات دیده شده و هم‌اکنون نیز ده‌ها پرونده نظیر آن در محاکم سراسر کشور مطرح است. لاله در مراحل تحقیقات مقدماتی به صراحت به ارتکاب بزه منتسب اقرار و حتی صحنه قتل را بازسازی کرده اما در جلسه رسیدگی به پرونده و عندالاحکام از اقرار خود رجوع و آنچه را که بیشتر در مراحل مقدماتی بیان کرده است تکذیب و ناشی از فشار روحی و انجام تهدید و اکراه از سوی ضابطان مربوطه بیان و چنین اعلام کرده است که عامل و مباشر قتل همسرش کسانی دیگر غیر از او بوده‌اند و حتی مشخصات ظاهری آنها را بیان کرده است. این ادعا صرف‌نظر از صحت و سقم آن بدون انجام بررسی تکمیلی و تحقیقات بیشتر مورد پذیرش دادگاه قرار نگرفته و بر پایه علم متعارف دادگاه و قضات رسیدگی‌کننده به پرونده حکم قصاص وی صادر شده و بر همین نحو و استدلال در مرجع عالی نظارتی یعنی دیوان عالی کشور نیز حکم تأیید و قطعی شده است. اینجاست که بروز چند سوال اذهان جست‌وجوگر را به خود معطوف می‌کند.

۱- اگر لاله راست گفته باشد و در عین حال نتواند ادعای خود را ثابت کند چگونه می‌توان هدر شدن خون محترم و عدم جبران حق ضایع شده مقتول و رهایی قاتلان اصلی از چنگال عدالت را توجیه کرد.

۲- آیا کسی می‌تواند بدون انجام تحقیقات لازمه با قاطعیت ادعا کند گفته‌های لاله صددرصد کذب است. حال اگر در فرض این ادعا صحیح بود، تکلیف چیست؟

۳- کدام مرجع باید با وسواس ویژه علمی و قضایی نسبت به کشف حقیقت برای اثبات صحت و سقم موضوع و احراز یا رد ادعای جدید لاله اقدام کند؟

۴- آیا به صرف اقرار لاله در تحقیقات مقدماتی که بعداً به واسطه انکار عندالاحکام او ضایع و فاسد شده است، می‌توان به صحت حکم قصاص صادره اطمینان داشت و آیا اگر لاله در محکمه و نزد قاضی به جرم قتل عمد اقرار می‌کرد ولی بعداً به هر دلیلی حتی دلایل واقعی برای اطاله امر اقرار خود را مسترد می‌داشت موجب شک و شبهه و وجوب و لزوم بررسی بیشتر برای رفع شبهه و تثبیت حقانیت حکم صادره نمی‌شد! این در حالی است که در بسیاری موارد متهمان اساساً و به دلایل مختلف از جمله وجود عواطف و احساسات ویژه مانند عشق و ترس و توهم و افسردگی از همان ابتدای کار متوسل به دروغ می‌شوند و با صحنه‌سازی و اقرار کذب خود زمینه قانونی مرگ خویش و رهایی قاتلان اصلی را فراهم می‌کنند.

۵- در جایی که مطابق شرع اسلام و قانون اساسی و مستندات منطقی و عقلی اقرار ناشی از تهدیدات اکراه می‌ارزش است، چرا به ادعای لاله مبنی بر فساد اقرار خود در مراحل تحقیقات مقدماتی هیچ توجهی نشده است؟

۶- علم متعارف قضاوت دادگاه که مستند حکم قصاص لاله قرار گرفته است باید واضح و متکی بر اصول و نشانه‌های علم‌آور و بدون شبهه باشد، چرا حکم صادره هیچ اشاره‌ای به منابع حصول علم قاضی نشده است؟

۷- نحوه بیان گزارش قتل و تعریف موقوف از زبان لاله بیشتر شبیه داستان‌سرای کودکانه و خیالی‌بافی وی است و نه تنها علم‌آور نیست بلکه ذهن را بر وجود تردید و ابهامات بیشتر متبادر می‌کند.

۸- به نظر می‌رسد وجود شبهات و تردیدهای فراوان در این مورد ناشی از ضعف شدید و ریشم‌های پلیس علمی و جنایی و پزشکی قانونی کشور است. هر چند عدله سنتنی مانند اقرار و شهادت هر خوردار است، چنانچه به واسطه عقل و علوم و فنون روز مشخص شود اقرار یا شهادت یا سوگند مربوطه برخلاف واقع و حق بوده و متکی بر دروغ یا اشتباه یا ترس یا تهدید یا اکراه یا اجبار یا جنون یا هوس یا هر دلیل موجه یا غیرموجه دیگری بوده است، دیگر اعتباری برای آن دلائل سنتنی باقی نمی‌ماند.